




The Role of the Strategic Components of the Second Step of the Revolution in Reaching the New Islamic Civilization: Challenges and Opportunities Ahead

Vol. 8
Summer 2022

Mohammad Reza Salehi Vasigh¹  | Ali Akbarpour Alame Jooghi² | Mohammad Baqer Mokarrampour³

Research Paper

Received:
27 April 2022
Revised:
09 July 2022
Accepted:
29 July 2022
Published:
21 September 2022
P.P: 59-83

ISSN: 2008-3564
E-ISSN: 2645-5285



Abstract

In order to realize the new Islamic civilization, the necessary capacities should be comprehensively created and measures should be taken to solve the challenges. In this direction, the strategic components of the statement of the second step of the revolution can be exploited. The present study was conducted with the aim of investigating the role of strategic components in the statement of the second step of the revolution in order to provide a targeted and workable model to move towards the new Islamic civilization. This review was done by reflecting on the strategic components resulting from the second step of the revolution and using library sources and descriptive analytical method. In response to the question, what is the role of the strategic components of the second step of the revolution in reaching the new Islamic civilization: what are the challenges and opportunities ahead? And what is the mission of the governments in creating the role of strategic components, the hypothesis was raised that the strategic components obtained from the statement of the second step of the revolution, including political independence and attention to the people; spirituality and ethics; economic independence and privatization; science and education; justice and fight against corruption; The Islamic lifestyle is the most appropriate way to walk the path of the new Islamic civilization, and the governments have emphasized these principles despite the difference in the program and policies. The remarkable topic in this research is pointing to the existing opportunities and challenges of the Islamic Republic of Iran in this way, that paying attention to the opportunities can accelerate civilization building, and at the same time, not paying attention to the existing challenges and limitations can be the path of development and progress and finally reaching the new Islamic civilization. make it difficult and even impossible.

Keywords: The Second Step of the Revolution; New Islamic Civilization; Challenges; Opportunities.

1. Corresponding author: PhD student of political thought, University of Tehran, Iran
Mo.rezasalehi@ut.ac.ir
2. MA in Political Science, Payam Noor Qochan University, Qochan, Iran.
3. Ph.D. Candidate, Departemnt of political science, Shahed University, Tehran, Iran

Cite this Paper: Salehi Vasigh, M.R & Akbarpour Alame Jooghi, A & Mokarrampour, M,B . (2022). The Role of the Strategic Components of the Second Step of the Revolution in Reaching the New Islamic Civilization: Challenges and Opportunities Ahead. *State Studies of Contemporary Iran*, 2(8), 59–83.

Publisher: Imam Hussein University

 **Authors**



This article is licensed under a [Creative Commons Attribution 4.0 International License](https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/) (CC BY 4.0) .



نقش مؤلفه‌های راهبردی گام دوم انقلاب در رسیدن به تمدن نوین اسلامی: چالش‌ها و فرصت‌های پیش رو

محمد رضا صالحی وثیق^۱ | علی اکبر پور آلمه جوقی^۲ | محمد باقر مکرمی پور^۳

سال هشتم
تابستان ۱۴۰۱

مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۲/۰۷

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۱/۰۲/۳۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۴/۱۸

تاریخ انتشار: ۱۴۰۲/۰۶/۳۰

صص: ۵۹-۸۳

شابا چاپی: ۲۰۰۸-۴۵۲۸

الکترونیکی: ۵۰۷۲-۲۶۴۵



چکیده

برای تحقق تمدن نوین اسلامی، باید به‌طور جامع و مانع ظرفیت‌های لازم ایجاد گردند و اقداماتی در جهت رفع چالش‌ها صورت گیرد. در این مسیر، مؤلفه‌های راهبردی بیانیه گام دوم انقلاب می‌تواند مورد بهره‌برداری قرار گیرد. پژوهش حاضر با هدف بررسی نقش مؤلفه‌های راهبردی در بیانیه گام دوم انقلاب به دنبال ارائه الگویی هدفمند و قابل اجرا جهت حرکت به سمت تمدن نوین اسلامی صورت گرفت. این بررسی با تأمل در مؤلفه‌های راهبردی حاصل از گام دوم انقلاب و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و با روش توصیفی-تحلیلی انجام شده است. در پاسخ به این سؤال که نقش مؤلفه‌های راهبردی گام دوم انقلاب در رسیدن به تمدن نوین اسلامی: چالش‌ها و فرصت‌های پیش رو چیست؟ و رسالت دولت‌ها در نقش‌آفرینی مؤلفه‌های راهبردی چیست، این فرضیه مطرح گردید که مؤلفه‌های راهبردی حاصل شده از بیانیه گام دوم انقلاب از جمله استقلال سیاسی و توجه به مردم؛ معنویت و اخلاق؛ استقلال اقتصادی و خصوصی‌سازی؛ علم و آموزش؛ عدالت و مبارزه با فساد؛ سبک زندگی اسلامی، مناسب‌ترین مسیر جهت طی کردن راه تمدن نوین اسلامی است، و دولت‌ها در عین تفاوت در برنامه و سیاست‌ها، بر این اصول تأکید کرده‌اند. موضوع قابل توجه در این پژوهش، اشاره به فرصت‌ها و چالش‌های موجود جمهوری اسلامی ایران در این راه است، که توجه به فرصت‌ها می‌تواند تمدن‌سازی را تسریع بخشد و در عین حال عدم توجه به چالش‌ها و محدودیت‌های موجود می‌تواند مسیر توسعه و پیشرفت و در نهایت رسیدن به تمدن نوین اسلامی را سخت و حتی ناممکن سازد.

کلیدواژه‌ها: گام دوم انقلاب؛ تمدن نوین اسلامی؛ چالش‌ها؛ فرصت‌ها.

Mo.rezasalehi@ut.ac.ir

۱. نویسنده مسئول: دانشجوی دکتری اندیشه سیاسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

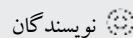
۲. کارشناسی ارشد علوم سیاسی دانشگاه پیام نور قوچان، قوچان، ایران.

۳. دانشجوی دکترای علوم سیاسی دانشگاه شاهد، تهران، ایران.

استناد: صالحی وثیق، محمد رضا و اکبر پور آلمه جوقی، علی اکبر و مکرمی پور، محمد باقر (۱۴۰۱)، نقش مؤلفه‌های راهبردی گام دوم انقلاب در رسیدن به تمدن نوین اسلامی: چالش‌ها و فرصت‌های پیش رو، **دولت پژوهی ایران معاصر**، (۸) ۲، ۴۳-۶۵.

DOR: <https://dorl.net/dor/20.1001.1.27831914.1401.8.2.3.8>

ناشر: دانشگاه جامع امام حسین (ع)



این مقاله تحت لیسانس آفرینندگی مردمی (Creative Commons License- CC BY) در دسترس شما قرار گرفته است.



مقدمه

تمدن‌سازی نوین اسلامی از مؤلفه‌هایی است که در سال‌های اخیر به موازات تهاجم فرهنگ غربی و اشاعه گفتمان نظم نوین جهانی و تمدن جهانی بنا بر ضرورت حصول پیشرفت گفتمان انقلاب اسلامی توسط آیت‌الله خامنه‌ای به‌عنوان رهبر جمهوری اسلامی ایران به‌کاررفته است. نکته قابل توجه در اهمیت ایده تمدن نوین اسلامی، نقش آن در برهم زدن هژمونی نظام سلطه، تقویت بیداری اسلامی و طراحی الگویی تمدن سازانه برای انقلاب‌های نوظهور اسلامی در سطح جهان است. در این راه، شناسایی چالش‌ها و فرصت‌های پیش رو جهت دستیابی به تمدن نوین اسلامی، امری ضروری است که نیاز است تا بدان توجه گردد. امام خمینی (ره) به‌عنوان بنیان‌گذار انقلاب اسلامی ایران «به دنبال احیای هویت اسلامی بود و بر همین اساس مقوله توسعه را نیز در گفتمان خود جای‌داده بود، توسعه‌ای که در چارچوب هویت اسلامی تعریف می‌شد و در اروپا محوری مدرنیته تردید داشت» (ولایتی، ۱۳۹۱: ۴۰). تحلیل تمدنی برای ایران اسلامی معاصر نیز از آن جهت حائز اهمیت است که خط سیر انقلاب اسلامی رسیدن به تمدن نوین اسلامی است و لازمه تحقق چشم‌انداز انقلاب اسلامی، تبیین تئوریک ابعاد مختلف آن و شناسایی چالش‌ها و فرصت‌های پیش رو است. یکی دیگر از منابع موجود که می‌توان با مراجعه بدان، به بیان چالش‌ها و فرصت‌ها پرداخت، نقش مؤلفه‌های راهبردی گام دوم انقلاب است که توسط آیت‌الله خامنه‌ای به‌مناسبت چهلمین سالگرد پیروزی انقلاب (۱۳۹۷/۱۱/۲۲) صادر شده است. ایشان در این بیانیه با هدف «جهاد بزرگ برای ساختن ایران اسلامی» توصیه‌هایی را ارائه نموده است. بنابراین یکی از مسائل مهم در مطالعات تمدنی، چالش‌ها و فرصت‌های پیش روی انقلاب اسلامی جهت حرکت به سمت تمدن نوین اسلامی است. چالش‌هایی که عدم پاسخ به آن‌ها مانع تکمیل تصویر تمدنی انقلاب اسلامی است و فرصت‌هایی که می‌توانند موجب دستیابی سریع به تمدن نوین اسلامی شوند. در این ارتباط، مطالعاتی صورت گرفته است که از جمله مهم‌ترین آن‌ها می‌توان به مقاله صمدی میارکلانی (۱۳۹۵) با عنوان «الگوی صدور انقلاب اسلامی در جهت دستیابی به تمدن نوین اسلامی»؛ کتاب اکبری (۱۳۹۷) با عنوان «چالش‌های فکری انقلاب اسلامی و راه کارهای آن برای

تحقق تمدن نوین اسلامی با تأکید بر دیدگاه رهبران انقلاب اسلامی»، مقاله دارا و کریمی (۱۳۹۹) با عنوان «تحقق تمدن نوین اسلامی و نقش آفرینی شهید سلیمانی به عنوان کارگزار تمدن ساز»؛ مقاله ابراهیمی کیایی و بوذری نژاد (۱۴۰۰) با عنوان «نقش آیت الله خامنه‌ای در احیای تمدن اسلامی با تکیه بر گام دوم انقلاب» و غیره اشاره نمود. با این حال، هیچ‌یک از مطالعات صورت گرفته، به صورت روشن و مشخص «نقش مؤلفه‌های راهبردی گام دوم انقلاب در رسیدن به تمدن نوین اسلامی: چالش‌ها و فرصت‌های پیش رو» را مورد توجه قرار نداده است. ضمن این که نشان دادن راه و افق آینده انقلاب اسلامی، امری با اهمیت است که نیازمند شناخت چالش‌ها و استفاده از فرصت‌های موجود است. از این رو، این پژوهش به دنبال پاسخ به این سؤال است که چالش‌ها و فرصت‌های برگرفته از مؤلفه‌های راهبردی گام دوم انقلاب در رسیدن به تمدن نوین اسلامی چه نقشی دارند؟ و دولت به عنوان مجری اجرای برنامه‌ها و سیاست‌های کلان کشور، در این مسیر چه نقش و رسالتی بر عهده دارند؟

چارچوب مفهومی ۱: مؤلفه‌های راهبردی حاصل از گام دوم انقلاب

ایران، کشوری بزرگ با وسعت و جمعیت پراکنده است که با وجود وضعیت خاص جغرافیایی، دارای مهاجرت گسترده، ناامنی در مناطق مرزی (باقری لنگرانی و همکاران، ۲۰۱۳: ۴۳) و مشکلات داخلی و خارجی، الگویی ارائه داده که در چهل سال گذشته، در تعارض با دین، ارزش‌ها و اصول آن قرار نگرفته است. حتی در شرایطی که مشکلاتی از بیرون و یا از داخل بروز کرده است؛ اصل مردم‌سالاری در کنار وحدت و همبستگی ملی و قومی در نظام متجلی گردیده است. تاریخ سیاسی بسیاری از کشورهای اسلامی نشان می‌دهد که در این جوامع کمتر به موضوع تمدن‌سازی و ایجاد ساختارهای حقوقی-سیاسی مستقل در قالب‌های جدید و متناسب با نیازهای آینده جامعه اسلامی اندیشیده شده است و به جای آنکه الگوی مطلوبی از پیشرفت و به تبع آن نظام مطلوب حکومت متناسب با نیازهای بومی و شرایط فرهنگی این جوامع طراحی گردد، به تدریج حرکتی به سوی اقتباس از الگوی اروپایی شکل گرفته است. این الگوبرداری‌ها که منجر به وابستگی‌های سیاسی جوامع اسلامی گردید، از سوی اندیشمندان اسلامی به عنوان مهم‌ترین علل

۱. چارچوب نظری این پژوهش برگرفته از مقاله «تدوین انقلاب اسلامی به عنوان الگویی مستقل برای سایر کشورها بر پایه بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی» به قلم اکبرپور آلمه جوتی و صالحی وثیق (۱۴۰۰) می‌باشد.

عقب‌ماندگی و اضمحلال جوامع اسلامی و ساختار حکومتی آنان مطرح بوده است. همین موضوع، زمینه تغییرات متعدد سیاسی-اجتماعی و به‌ویژه ایجاد جنبش‌های سیاسی باهدف بازگشت به هویت اسلامی را فراهم کرد و اندیشمندان مسلمان را به عرصه‌های نوینی از نظریات دولت اسلامی سوق داد. آثار عینی این حرکت را می‌توان در شکل‌گیری انقلاب اسلامی ایران مشاهده نمود که برپایه آرمان بزرگ امت اسلامی بنانهاده شد (اکبریور آلمه جوقی و صالحی وثیق، ۱۴۰۰: ۳). جمهوری اسلامی توانست رفتارها و الگوهای سیاسی جدیدی را برای نخستین بار در جهان پایه‌گذاری کند که در عین رعایت اصول دموکراسی و تأیید تعیین سرنوشت مردم به دست خود آنان، از اصول و معیارهای دینی هم عدول نکنند.

جمهوری اسلامی تلاش نموده تا با اتکا به مبانی اسلام، الگویی را تدوین نماید که در تمام زمینه‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، علمی-فرهنگی بتواند حرفی برای گفتن داشته باشد و به سایر کشورها نیز تسری دهد. این در حالی است که به فرموده آیت‌الله خامنه‌ای، الگوهای رایج غربی، از لحاظ مبانی، غلط و بر پایه‌ی اومانیسیم و اصول غیر الهی هستند و از لحاظ آثار و نتایج نیز نتوانسته‌اند وعده‌هایی را که در خصوص ارزش‌هایی نظیر «آزادی» و «عدالت» داده بودند، محقق کنند (بیانات آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۹۵/۰۲/۰۶). جمهوری اسلامی، بعد از انقلاب اسلامی تلاش کرده تا در میدان‌های مختلف الگو باشد (بیانات آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۹/۰۷/۱۸). تأکید بر اصول و اهداف انقلاب اسلامی در بیانیه گام دوم انقلاب نیز مدنظر بوده است و تلاش در جهت رسیدن به اقتصادی پایدار و مستقل، بهبود علم و آموزش و سبک زندگی اسلامی، استقلال و آزادی، معنویت و اخلاق، عدالت و مبارزه با فساد، ارتقاء بینش سیاسی آحاد مردم را از پایه‌های پیشرفت و الگوسازی برای سایر کشورها دانسته است. بر همین پایه نظام جمهوری اسلامی می‌تواند با توجه به گام اول انقلاب اسلامی، بر پایه ایمان، علم و عدل، الگوی مستقل اسلام را برای نظام‌سازی و جامعه‌سازی را در داخل کشور و سایر ملل مستقل و آزادی‌خواه تدوین نماید.

جمهوری اسلامی بر مبنای این الگو، شعارها و جهت‌گیری‌های خود را بنانهاده است. آیت‌الله خامنه‌ای با اشاره به این نکته کلیدی و مهم که اقتصاد کشور به‌هیچ‌وجه نباید به تحولات خارجی پیوند بخورد؛ خاطر نشان کرده‌اند: «باید بر ظرفیت‌ها و امکانات داخلی تمرکز کرد و مسائل اقتصادی کشور نباید موکول به تحولات خارجی شوند» (بیانات آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۹۹/۰۶/۲).

تأکید آیت‌الله خامنه‌ای بر عناصری همچون مستقل بودن، نشان‌دهنده نگاه عمیق و راهبردی ایشان به ظرفیت‌های کلان اقتصادی و ثروت‌های درونی کشور است که باید در گام دوم انقلاب درباره آن‌ها کار جدی و کارشناسانه صورت گیرد. از این‌روست که باید سخنان آیت‌الله خامنه‌ای را، الگویی از نظام‌سازی موفق بر مبنای ارزش‌های اخلاقی، دینی و اجتماعی و درعین حال با اقتدار و مستقل از هر جهت دانست. آیت‌الله خامنه‌ای می‌فرماید: «الگوی مستقل اسلام برای نظام‌سازی و جامعه‌سازی باید بر سه پایه «ایمان، علم و عدل» استوار باشد، البته ما در هر سه عرصه عقبیم، اما شعارها و جهت‌گیری‌ها بر این اساس بوده و الگوهای انسانی آن نیز شهادایی مانند بهشتی، مطهری، باهنر، رجایی و سلیمانی می‌باشند» (بیانات آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۹۹/۰۶/۲).

تعامل «ایمان، علم، عقل و عمل»، ضامن اجرای شریعت می‌باشند. توجه به نقش ایمان و علم در آیات و روایات بسیاری تأکید شده است. از متون دینی (آیات و روایات) به دست می‌آید که نه تنها هیچ‌گونه تضادی میان ایمان و تعقل نیست، بلکه آن دو، لازم و مکمل یکدیگر بوده و هر گاه باهم جمع شوند، مایه کمال فرد و جامعه خواهند شد. یکی از نکات مهم که امیرالمؤمنین علیه‌السلام در نهج‌البلاغه، بر آن تأکید کرده و پیروان خویش را به آثار مخرب آن توجه داده‌اند مسئله تفکیک آگاهی و ایمان، یا جدایی علم و دین است (نهج‌البلاغه، نامه ۲۱۸). در قرآن آیاتی می‌بینیم که روشنگر رابطه «علم» و «ایمان» و پیوند مستحکم این دو است، به عنوان نمونه می‌توان به آیه ۵۴ سوره حج: «وَلْيَعْلَمَ الَّذِينَ آوْتُوا الْعِلْمَ أَنَّهُ الْحَقُّ مِنْ رَبِّكَ فَيُؤْمِنُوا بِهِ فَتُخْبِتَ لَهُ قُلُوبُهُمْ»؛ (هدف این است که آن‌ها که دارای علم‌اند بدانند این قرآن حقی است از سوی پروردگارت، و به آن ایمان بیاورند و دل‌هایشان در برابر آن خاضع گردد) و همچنین آیه ۷ سوره آل‌عمران «وَالرَّاسِخُونَ فِي الْعِلْمِ يَقُولُونَ آمَنَّا بِهِ كُلٌّ مِنْ عِنْدِ رَبِّنَا وَمَا يَذَّكَّرُ إِلَّا أُولُو الْأَلْبَابِ»؛ (راسخان در علم گویند: ما به همه آیات الهی ایمان آورده‌ایم، همه از سوی پروردگار ما است و تنها صاحبان عقل متذکر می‌شوند)، اشاره نمود.

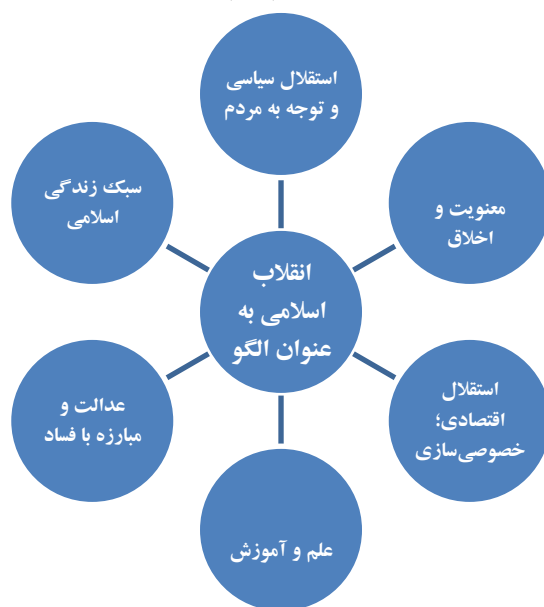
گام دوم انقلاب، جهاد بزرگ برای ساختن ایران اسلامی است. جهاد منحصر به دین اسلام نیست، بلکه جهاد و مبارزه با ستمگران، طاغوتیان و دنیاپرستان در رأس برنامه همه پیامبران بوده است. در سوره‌های بسیاری از قرآن، از جمله بقره، آل‌عمران، نساء، مائده، انفال، توبه، نحل، حج، نمل، احزاب، شوری، محمد، فتح، حدید، حشر، ممتحنه و صف، آیات بسیاری در رابطه با جهاد

نازل شده است. در سوره بقره، آیه ۲۱۸ می‌فرماید: «إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَالَّذِينَ هَاجَرُوا وَجَاهَدُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أُولَئِكَ يَرْجُونَ رَحْمَتَ اللَّهِ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ»؛ (کسانی که ایمان آورده و کسانی که هجرت کرده و در راه خدا جهاد نموده‌اند، آن‌ها امید به رحمت پروردگار دارند و خداوند آمرزنده و مهربان است). امیرالمؤمنین علیه‌السلام در خصوص جهاد فرموده‌اند: «اللَّهُ فِي الْجِهَادِ بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ وَالسِّبْغِ فِي سَبِيلِ اللَّهِ»؛ (از خدا بترسید و با مال و جان و زبان خود در راه خدا مجاهدت نمایند) (نهج‌البلاغه، نامه ۴۷). پیامبر (ص) نیز در همین ارتباط می‌فرماید: «إِنَّ صَبْرَ الْمُسْلِمِ فِي بَعْضِ مَوَاطِنِ الْجِهَادِ يَوْمًا وَاحِدًا خَيْرٌ لَهُ مِنْ عِبَادَةِ أَرْبَعِينَ سَنَةً»؛ (بدین معنی که یک روز استقامت و پایداری مسلمان در اماکن جهان، برای او از چهل سال عبادت بهتر و والاتر است) (نوری طبرسی، ۱۳۶۹، ج ۱۱: ۲۱).

در گام دوم انقلاب، روی سخن به‌ویژه با جوانان است که سال‌های نخستین انقلاب را تجربه نکرده‌اند، ولی در طول این ۴۰ سال از آرمان‌ها و مطالبات انقلاب مطلع بوده‌اند. گام دوم به دنبال رسیدن به تمدن نوین اسلامی بر اساس ارزش‌های اسلامی است. در مسیر تمدن‌سازی، چالش‌ها و محدودیت‌های مختلفی در داخل و خارج وجود دارد، به‌ویژه برای تمدن‌سازی اسلامی ایران که با اهداف بلند خود به دنبال سیطره بر استکبار جهانی چه از نوع شرقی که در گذشته بوده و چه از نوع غربی که در حال حاضر با آن روبه‌رو هستیم. انقلاب اسلامی ایران با تمام این چالش‌ها و وسوسه‌های داخلی و خارجی بزرگ‌ترین و مردمی‌ترین انقلاب عصر جدید است. بنابراین در مواجهه با حوادث نباید دچار ترس و دلهره شد، چنان‌که در آیه ۶۲ سوره یونس نیز به آن تأکید شده است: «أَلَا إِنَّ أَوْلِيَاءَ اللَّهِ لَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ»؛ (آگاه باشید که دوستان خدا هرگز هیچ ترسی (از حوادث آینده) و هیچ حسرت و اندوهی (از وقایع گذشته) در دل آن‌ها نیست).

گام دوم انقلاب بعد از گذشت ۴۰ سال خیلی مهم‌تر از گام اول است، چراکه در این گام فراتر از سال‌های قبلی، الگوسازی انجام شده و به‌مانند یک انسان که متولد می‌شود در دوران نوجوانی و جوانی انقلاب به سر می‌بریم که به دنبال رسیدن به بلوغ کامل از نظر فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و دینی است. براساس بیانیه گام دوم، انقلاب اسلامی مانند یک پدیده‌ای زنده همواره منعطف بوده و آماده تصحیح خطاهای خویش است و این ویژگی‌ها با عدول نکردن از

ارزش‌های انقلاب، منافاتی ندارد. انقلاب اسلامی پایبند به اصول و مرزبندی خود با دشمنان است و البته در برابر موقعیت‌های نو، نیازهای جدید متحجر نبوده و واکنش مثبت نشان داده است. نکته‌ای که برای انقلاب اسلامی از ابتدای آن مهم بوده، جلوگیری از افراط و تفریط‌ها می‌باشد، و همیشه عقلانی و متعادل در مسیر خود حرکت کرده است و این به معنای منفعل و مردود بودن نیست، چراکه با صراحت و شجاعت در برابر زورگویان ایستاده و از مستضعفان دفاع کرده است. آیت‌الله خامنه‌ای، رهبر جمهوری اسلامی ایران گام دوم را کمک نسل جدید به آرمان انقلابی می‌دانند. در ادامه الگوی نظری پژوهش با توجه به بیانیه گام دوم ارائه شده است:



شکل ۱. الگوی نظری پژوهش

مفهوم شناسی تمدن نوین اسلامی

امروز جهان اسلام موظف است مانند اسلام و خود پیامبر اکرم (ص) روحی را در این جهان دمیده و فضای جدیدی ایجاد کند و راه جدیدی بگشاید. ما از این پدیده که مشتاقانه منتظر آن هستیم با عنوان «تمدن نوین اسلامی» یاد می‌کنیم. این به معنای تسخیر سرزمین‌ها نیست. به معنای تضييع حقوق ملت‌ها نیست. این به معنای تحمیل باورها و فرهنگ خود بر ملت‌های دیگر نیست،

بلکه به معنای تقدیم موهبت الهی به ملت‌هاست تا با اختیار خود و با انتخاب و تصمیم خود راه درست را انتخاب کنند. راهی که قدرت‌های جهانی ملت‌ها را به سوی آن کشانده‌اند، مسیری نادرست و انحرافی است. تمدن اسلامی، تمدن ملت‌هایی است که به وسیله دین رسمی یعنی اسلام و زبان علمی و ادبی یعنی عربی با یکدیگر متحد شدند. این تمدن با هنر ایرانی، رومی و سایر جوامع ترکیب گردید و تمدن اسلامی را به وجود آورد (تاج‌بخش، ۱۳۸۱: ۹۹). به این ترتیب، تمدن اسلامی نه به نژاد خاصی و نه به تمدن خاصی تعلق دارد، بلکه همه گروه‌های نژادی و قومی را که در پیدایش، رونق و گسترش آن نقش داشته‌اند را دربرمی‌گیرد (زرین کوب، ۱۳۷۶: ۳۱).

روزی مردم اروپا با استفاده از دانش و فلسفه مسلمانان توانستند برای خود تمدنی بسازند. البته این تمدن یک تمدن مادی بود. از قرن ۱۶ و ۱۷ میلادی در تقویم مسیحی، اروپایی‌ها شروع به شکل دادن به تمدن جدیدی کردند. چون تمدنی مادی بود، از سازهای مختلف بدون هیچ ظلمی استفاده می‌کردند. آن‌ها از یک سو به سمت استعمار و به سوی تسخیر ملت‌ها و غارت ثروت آن‌ها حرکت کردند و از سوی دیگر با علم و فناوری و تجربه، خود را از درون تقویت کردند. این گونه بود که آن‌ها به این تمدن کمک کردند تا بر جهان بشریت تسلط یابد. این کاری بود که اروپایی‌ها در طول چهار و پنج قرن اخیر انجام دادند. تمدنی که به جهانیان عرضه کردند، بازتاب‌های زیبایی از تکنولوژی، سرعت، آسایش و امکانات رفاهی مختلف برای مردم فراهم کرد، اما شادی را برای مردم فراهم نکرد و عدالت را اجرا نکرد. برخی ملت‌ها را اسیر کرد، برخی ملت‌ها را فقیر کرد و برخی دیگر را ذلیل کرد. علاوه بر این، خود شاهد تناقضات خاصی بود. از نظر اخلاقی فاسد شدند و از نظر معنوی پوچ شدند. امروز خود غربی‌ها هم این را تأیید می‌کنند. هنری لوکاس در تعریف تمدن اسلامی چنین می‌گوید: «بعد از اسلام آوردن بسیاری از اقوام غیر عرب و درآمیختن آن‌ها با عرب‌ها، قوم تازه‌ای به وجود آمد که قرآن کتاب اصلی آنان بود؛ در نتیجه جهان اسلام آمیزه‌ای از اقوام گوناگون بود که قرآن و زبان عربی عامل یگانگی آن‌ها گردید که به این تمدن، تمدن اسلامی می‌گفتند (لوکاس، ۱۳۸۷: ۲۸). لوتروپ استودارد (۱۳۹۰)، مورخ آمریکایی در کتاب «دنیای جدید اسلام» می‌گوید اسلام یکی از مشهورترین تمدن‌هایی است که تاریخ عمومی جهان را زینت داده و تاریخ را برای همیشه از آثار درخشان خود پر کرده است.

در فروپاشی پس از پیروزی جنگ سرد، تز «پایان تاریخ» فوکویاما (۱۹۹۲) بیان کرد که تاریخ بشر توسط تضاد دیالکتیکی ایده‌ها شکل گرفته است، فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و کمونیسم بین‌المللی نشان‌دهنده پیروزی ایده‌های غربی و پایان تاریخ و فرسودگی ایدئولوژی‌های دیگر است. اما در پاسخ، متفکران برجسته مدعی شدند که نه تنها پایان تاریخ هرگز رخ نداده است، بلکه نیروهای ایدئولوژیک جدید منابع دائمی درگیری خشونت‌آمیز ایجاد می‌کنند که جریان روان جهانی شدن را مختل می‌کند. به‌عنوان مثال، هادر (۲۰۰۲) اسلام را به‌عنوان «خطر سبز» معرفی کرد، سبزی که رنگ نمادین دین است، و تصور غالب از اسلام را به‌عنوان تمدن در حال گسترش در سراسر جهان و تضعیف مشروعیت ارزش‌های غربی توصیف کرد (هادر، ۱۹۹۳: ۲۷). امروز تضادهای تمدن غرب خود را نشان می‌دهد. آن‌ها در آمریکا، اروپا و مناطقی که در سرتاسر جهان تحت کنترل آن‌هاست، خود را به شیوه‌های مختلف نشان می‌دهند. امروز نوبت مسلمانان است که با عزم خود تمدن نوین اسلامی را شکل دهند. همان‌طور که اروپایی‌ها در آن روزگار از دانش مسلمانان و از تجربیات و فلسفه آن‌ها بهره می‌بردند، در زمان حاضر باید از دانش جهان استفاده کرد. تمام جهان اسلام برای دستیابی به تمدن نوین اسلامی متحد شود. بنابراین می‌توان گفت که تمدن اسلامی، تمدنی است که در محیط اسلامی و گستره ژئوپلیتیک جهان اسلام در طول تاریخ شکل گرفته و روح و بن‌مایه اصلی آن را اسلام و اندیشه‌های برآمده از وحی شکل می‌دهد (خزاعی و همکاران، ۱۳۹۶: ۳۱). این چیزی است که جمهوری اسلامی ایران به‌عنوان هدف نهایی خود انتخاب کرده است: تمدنی که با مقتضیات عصر حاضر سازگار باشد. تمدن نوین اسلامی در واقع احیا عزت و کرامت انسان مسلمان در کنار برخورداری از دستاوردهای علمی، تکنولوژیکی و پیشرفت همه‌جانبه در ابعاد مادی و معنوی زندگی انسان است» (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۹۱/۰۷/۲۳) و در مجموع پاسخگوی نیازهای طبیعی و معنوی انسان‌هاست.۴. در این پژوهش منظور از تمدن نوین اسلامی، احیای تمدن اسلامی براساس الگوهای جدید و مطابق با مقتضیات

1. Fukuyama
2. Hadar
3. Green Peril

۴. برای آشنایی بیشتر با مفهوم تمدن و تمدن نوین اسلامی به ویژه از دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای و زوایای آن ر. ک به: حیدری خراسانی، محمد جواد؛ جوان، جواد (۱۴۰۰). «نگرشی بر تمدن نوین اسلامی از منظر آیت‌الله خامنه‌ای و حضرت آیت‌الله جواد آملی»، دولت‌پژوهی جمهوری اسلامی ایران، ۷ (۳): ۱۲۱-۱۴۴. https://irsj.ihu.ac.ir/article_206934.html

زمان و مکان و الگو گرفتن از تجربه‌های تمدن پرشکوه اسلامی و همچنین گذر از محدودیت‌ها و چالش‌هایی است که باعث انحطاط این تمدن شده‌اند.

انقلاب اسلامی ایران و نسبت آن با تمدن نوین اسلامی

انقلاب اسلامی زمانی پا به صحنه عالم و تأثیر در آن گذاشت که دو نگاه متفاوت غربی در دو دیدگاه مارکسیسم و لیبرالیسم خلاصه می‌شد. دو نگاهی که به یک آبشخور می‌رسیدند؛ و آن نگاه «قدسیت زدایی» و البته مادی و قدرتمدارانه به عالم، انسان، و هستی بود. در این نگاه سلطه‌گرانه، شرق و کشورهای اسلامی و اصولاً عالم غیر غربی باید برای ابراز وجود و شناخت خود به غرب می‌نگریست و یا از آن مدد می‌گرفت. انقلاب اسلامی، در همان بدو ظهور و حضور خود، این سیطره و اسطوره پنهان را شکست و به مقابله فکری و نظری با جهان غرب برخاست. تمامی سخنان و رهنمودهای امام خمینی (ره)، از همان لحظه تکامل «بیداری اسلامی شیعی» در دهه ۱۳۴۰ تا آمدن به ایران و تا ده سال بعد از آن، مبارزه با نگاه غربی در هویت بخشی به شرق بود. امام خمینی (ره) نه تنها تعریف جدید و حیات بخشی را از اسلام ارائه کرد، اسلامی که مستشرقان و دانشمندان غربی آن را جزئی از حاشیه تاریخ غرب معرفی می‌کردند، بلکه تعریفی جدید و «صورت مسئله‌ای ویژه» در مورد کل عالم، روابط، ماهیت شرق و غرب، سیر تحول، جایگاه و نسبت هریک ارائه کرد. در حقیقت از همان گام اول، امام خمینی (ره) ذات این حرکت را تغییر «نسبت» بین نگاه غربی با شرق قرارداد و بر تمامی برنامه‌ها و سیر حرکت و مطالعات پیشین و نظریه‌های قراردادی خط بطلان کشید (نجفی، ۱۳۹۰: ۸۰).

با رسوخ هرچه بیشتر اندیشه اسلامی امام خمینی (ره) و تکامل انقلاب اسلامی، ابعاد «چندساحتی» اندیشه انقلاب اسلامی به دنیای «تک ساحتی» و سراسر غرق در مادیات و خالی از حضور معنا و روح بیشتر نفوذ می‌کرد. حاصل این رسوخ نوعی «بیداری اسلامی» در ابعاد گوناگون بود. در حقیقت، کشورهای اسلامی در آینه تمام نمای انقلاب اسلامی نه تنها توانستند به طور واقعی خود را ارزیابی کنند، بلکه از فاجعه و بلایی که ده‌ها سال بود بر سر آنان آمده بود، بهتر و درست‌تر آگاه شدند. این آگاهی به صورت انقلاب‌های مردمی و یا تشکل‌های سیاسی و علمی و فرهنگی نمایان شد. این تأثیر به حدی بوده که می‌تواند به تشکیل نظام سیاسی منجر شود و

از سطح نهضت خارج شود. از دیدگاه امام خمینی (ره) دین اسلام دارای پیشرفته‌ترین حکومت است و این حکومت نیز به هیچ وجه با تمدن مخالفتی ندارد. بلکه از پایه گذاران تمدن بزرگ در جهان بوده است. به اعتقاد ایشان هر کشوری که به قوانین اسلامی عمل کند، بی تردید از پیشرفته‌ترین کشورها می‌شود (امام خمینی، ۱۳۷۸، ج ۸: ۲۰۴). اسلام است که از همه می‌خواهد در رفاه زندگی کنند و تمدن صحیح در اسلام است؛ چنانچه حریت صحیح در اسلام است» (امام خمینی، ۱۳۷۸، ج ۸: ۳۰۹).

انقلاب اسلامی ایران با پشت سر گذاشتن فراز و نشیب‌های بسیار، به مرحله‌ای از تکامل رسیده است که امروزه در معادلات جهانی به عنوان یک قطب تعیین کننده ایفای نقش می‌کند. این جایگاه رفیع در حالی به دست آمده که جهان در حال گذار از یک پیچ بزرگ تاریخی است و انقلاب اسلامی برای نقش آفرینی بیشتر در آینده بشریت با شرایط حساس و سرنوشت‌سازی روبه‌روست که می‌تواند زمینه‌ساز تحقق تمدن نوین اسلامی باشد (خلیلی، ۱۴۰۰: ۹). در مجموع تمدن نوین اسلامی از منظر امام خمینی (ره) تمدنی می‌باشد در چارچوب قوانین و اخلاق اسلامی که مردم در آن با هدف رسیدن به روحانیت و تعالی توحیدی از آزادی، استقلال، رفاه و پیشرفت‌های علمی و صنعتی برخوردار هستند و می‌توان گفت تعابیری همچون «تمدن صحیح» (امام خمینی، ۱۳۷۸، ج ۸: ۳۰۹)، «تمدن الهی، تمدن رسول الهی» (امام خمینی، ۱۳۷۸، ج ۶: ۳۴۳) در اندیشه امام خمینی (ره) بر این مفهوم از تمدن نوین اسلامی دلالت دارد. «اسلام آمده است که این طبیعت را بکشد طرف روحانیت، مهار کند. طبیعت را به همان معنایی که همه می‌گویند، آن هم می‌گوید این جور نیست که به طبیعت کار نداشته باشد. تمدن را به درجه اعلایش اسلام قبول دارد و کوشش می‌کند برای تحقیقش؛ ... او به این نگاه می‌کند که بکشدش طرف روحانیت، بکشدش طرف توحید ... (امام خمینی، ۱۳۷۸، ج ۸: ۴۱۵).

آیت‌الله خامنه‌ای نیز در خطبه‌های نماز جمعه در تاریخ ۲۰/ ۱۱/ ۱۳۷۴ می‌فرماید: «در بسیاری از کشورهای دیگر دنیا، به برکت احساس هویت و بیداری اسلامی که انقلاب اسلامی به وجود آورد، امروز جمعیت‌های اسلامی حضور دارند، قوی‌اند و برای خودشان آینده دارند. اگر بگذارند، احتمال دارد دولت هم تشکیل دهند (بیانات آیت‌الله خامنه‌ای در خطبه‌های نماز جمعه، ۲۰/ ۱۱/ ۱۳۷۴). ایشان در بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی به صورت شفاف، آرمان بزرگی را برای

انقلاب اسلامی با عنوان «ایجاد تمدن نوین اسلامی» بیان می‌کند. به عبارتی، هدف غایی انقلاب اسلامی ایران را ایجاد تمدن نوین اسلامی بیان می‌کنند» (بیانیه گام دوم انقلاب، ۱۳۹۷). تأکید بر بدیع و نوآورانه بودن انقلاب اسلامی، ارزشمند است و انقلاب اسلامی برای این که پایدار بماند، باید جامعه‌ای شکل دهد که در آن استقلال در کنار آزادی و آزادی در کنار عدالت و عدالت در کنار معنویت و معنویت در کنار اخلاق و اخلاق در کنار عزت و عزت در کنار عقلانیت و عقلانیت در کنار برادری باشد و برخاسته از دین اسلام و ارائه شده توسط انقلاب اسلامی باشد (موسوی، ۱۴۰۰: ۱۰-۱۱). این مسئله حاکی از تحقق تمدن نوین اسلامی به‌عنوان آرمان انقلاب و تسریع‌کننده ظهور حضرت مهدی (عج) است.

چالش‌های موجود (شناخت چالش‌ها)

ساخت تمدن نوین اسلامی نیازمند رفع مشکلات و چالش‌های موجود هست و خودبه‌خود ساخته نمی‌شود. مسیر دقیق و مشخصی برای دستیابی به تمدن وجود ندارد. درعین حال برای عمیق‌تر و ماندگار کردن تمدن نوین اسلامی باید از مادیات گذاشت و در ادامه مسیر ساخت معنویت را هم در نظر گرفت. نپرداختن به بحث مادیات، اقتصاد و زیربنا یک ویژگی منفی برای بحث تمدنی محسوب می‌شود. درعین حال، نپرداختن به تعالی و معنویت هم ویژگی منفی دیگری است که برای امر تمدن‌سازی ضرورت دارد. مشکلات اقتصادی، عدم توجه به عقلانیت دینی و عدم پیروی از رهبری واحد و چالش‌هایی همچون فرهنگ مهاجم غربی و اختلاف افکنی از آسیب‌های جدی در جمهوری اسلامی ایران است. در ادامه سه چالش اصلی مطرح و مورد بحث قرار گرفته است:

الف) تقابل با ارزش‌های جهانی شدن

چالش‌های تمدن اسلامی به‌عنوان یک نیروی جهانی در این است که مسلمانان با درک دیدگاه جهان از اسلام و نگرش اسلام نسبت به جهان متقابلاً، چه نقشی در جهان در حال جهانی شدن ایفا می‌کنند، اما متأسفانه وضعیت کنونی امت اسلامی در جهان جایگاه ضعیفی در سنجش پیشرفت جمعی توسعه اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، دموکراتیک، فرهنگی و دینی آن‌ها را نشان می‌دهد. به همین دلیل، کارن آرمسترانگ خاطر نشان کرد: «توجه به این نکته مهم است که ضعف

مسلمانان در پایان قرن هجدهم مصادف با ظهور یک نوع تمدن کاملاً متفاوت در غرب بود و این بار جهان اسلام آن را بسیار دور خواهد یافت» (آرمسترانگ، ۱، ۲۰۰۷: ۱۴۱). منعم الازوزی (۲۰۱۳) فقط به چالش اسلام در برابر جهانی شدن اشاره کرد: «چالش‌های جهانی شدن در دین به طور خودکار با چالش‌های دین به جهانی شدن پیوند می‌خورد». مذهب به‌عنوان یک رویکرد سنتی بر فرهنگ جهانی تأثیر می‌گذارد. بسیاری از جوامع به‌صورت فردی یا جمعی مذهب را به‌عنوان عنصری از دلهره و درگیری برای برآوردن نیازهای جهانی شدن فرهنگی می‌دانند. در این راستا، به نظر می‌رسد که دین به معنای عام در جهانی شدن فرهنگی مداخله می‌کند و در نهایت تأثیرات ارزش‌های دین بر جوامع جهانی موجب تضاد میان جوامع دینی می‌شود. اما در برخی موارد، فرهنگ مبتنی بر مذهب و ارزش‌های جهانی شدن ممکن است همگن باشند. با این وجود، مهم‌ترین رویکرد به جهانی شدن، کثرت‌گرایی هنجارها و ارزش‌های همه ادیان است که فراتر از بحث وجدل، درک متقابل میان همه ادیان را روشن می‌کند. متأسفانه برخی از رسانه‌های غربی، حتی برخی از دولت‌های غربی، اسلام را به‌عنوان یک مروج تروریسم به‌اشتباه تفسیر می‌کنند. آن‌ها همچنین در جستجوی ابزارهای شیطانی زیادی برای نسبت دادن به اسلام به‌عنوان دین افراط‌گرایان به دنبال ابزارهای شیطانی هستند (ابوشوک، ۳، ۲۰۰۶: ۴۸۹).

ب) برداشت‌های افراط‌گرایانه از اسلام

تمدن اسلام علی‌رغم اینکه بخشی از جهانی شدن است، به‌عنوان تروریسم در کنار دیگر سرزنش‌هایی که بر گردن مردم اسلامی می‌اندازند، برجسته شده است. اکنون چالش تمدن اسلامی این است که چگونه اسلام و فرهنگ آن، می‌تواند با این گونه سرزنش‌ها و برداشت‌ها مقابله نماید. این یک سناریوی بسیار رایج است، در واقع، اگر آن ملت در هر منطقه‌ای در سراسر جهان به تروریسم یا هرگونه خشونت علیه بشریت متهم شود، هیچ ملتی همراه با فرهنگ خود مورد استقبال دیگران قرار نخواهد گرفت. علی‌رغم ضعف‌های فوق‌امروز تمدن اسلامی، می‌توان گفت که همه این‌ها خبر بدی نیست. تحولات مثبت خاصی وجود دارد و قطعاً نوری در انتهای تونل برای جهان اسلام وجود دارد. به همین دلیل، به‌راحتی می‌توان نقش تمدن اسلامی را در این محیط جهانی

1. Armstrong
2. Monaim El Azzouzi
3. Abushouk

شدن فرهنگی برای آمادگی در شکل‌گیری و ساخت مسیر جهانی شدن در روزهای آینده تجویز کرد (احمد، ۲۰۰۶: ۱-۱۱). اول از همه امت باید ایمان خود را به اسلام حفظ کنند. در ابتدا، آن‌ها باید تنها با ایمان، خود را بازسازی کنند. ابوالحسن علی به‌درستی به این واقعیت اشاره کرد: «اما مسلمانان نیاز به تجدید حیات ایمان دارند. با ایمان ویران و اعمال نادرست نمی‌توان با خطرات جدید روبه‌رو شد و با چالش‌های جدید روبه‌رو شد. یک ساختمان پوسیده نمی‌تواند در برابر سیل مقاومت کند. فرد باید به هدفی که می‌خواهد از آن حمایت کند، ایمانی زنده، درخشان و سرسخت داشته باشد. اگر جهان اسلام بخواهد شور و نشاط و زندگی جدیدی را به بشریت تزریق کند و به او شهادت، مقاومت و بازگرداندن سیلاب‌های مادی‌گرایی و کفر دینی بدهد، ابتدا باید آن شور و شوق و زندگی را در خود ایجاد کند» (ندوی، ۲، ۱۹۸۲: ۱۸۸). بدیهی است که این ارزش‌ها، چارچوبی را برای جهانی شدن فرهنگی اسلام شکل می‌دهند. بنابراین برای امت اسلامی چاره‌ای جز احیای افتخارات از دست‌رفته خود در پیوند دادن همه بشر به یک ملت واحد بر اساس اسلام وجود ندارد. در اینجا امت راهی برای تضييع حیثیت و حقوق غیرمسلمانانی که حقوق آن‌ها در اسلام نیز مقرر شده است، ندارند. بنابراین تمدن اسلامی باید با عزم راسخ برای بازیابی گذشته باشکوه فرهنگ اسلامی و هموار کردن آینده‌ای عالی در دوران پساغرب، هدفی آشکار را در پیش گیرد (الله، ۳، ۲۰۱۹: ۶۹).

تأثیر جهانی شدن بر اسلام پس از حمله تروریستی ۱۱ سپتامبر، موضوعی داغ بوده است. با گذشت سال‌ها، جهانی شدن از یک سو با تبلیغات رسانه‌های غربی و ابزارهای ارتباط جمعی مانند روزنامه، کتاب و مجله، مسلمانان را نسبت به اسلام و فرهنگ اسلامی با تنوعات اجتماعی آگاه کردند. اما از سوی دیگر، جهانی شدن همچنین به ارتش مخرب غربی اجازه نفوذ در بسیاری از کشورهای مسلمان را داد. اما پیامدهای نهایی نیروی جهانی شدن، گسترش استعماری همراه با جنبش‌های ملی‌گرای نوظهور بود که با تکمیل منافع سیاسی و اقتصادی آمریکا و متحدانش، در خدمت تجزیه جهان اسلام بود. اما این غرب‌زدگی‌ها، اسلام را در جهان غرب گسترش می‌دهند و

1. Ahmad
2. Nadwi
3. Ullah

آن را به عنوان فرهنگ نمونه جهانی در کنار برتری ایدئولوژی‌های اجتماعی-اقتصادی و سیاسی بر همه حاکمیت‌ها و تمدن‌ها معرفی می‌کنند (الله، ۲۰۱۹: ۷۲).

ج) نبود روحیه کافی انقلابی

در تکمیل این بخش باید اشاره نمود که آیت‌الله خامنه‌ای استدلال می‌کنند مشکلات امروز جمهوری اسلامی از روحیه ناکافی انقلابی در نسل‌های جوان ایران سرچشمه می‌گیرد و به این معناست که ایرانیان امروز برای مقابله با چالش‌های خود با همان غیرت انقلابی قیام نمی‌کنند که نسل اول انقلاب با تهاجم عراق مقابله کردند یا برای پیروزی انقلاب اسلامی کوشش نمودند. از نظر ایشان جمهوری اسلامی ایران می‌تواند قدرت بیشتری کسب کند و خود را در برابر ناآرامی‌هایی که بیگانگان بدان دامن می‌زنند، تثبیت کند. جمهوری اسلامی هنوز تغییر نسل معناداری در رهبری خود نداشته است؛ زیرا اکثر رهبران آن در دوران انقلاب اسلامی و جنگ تحمیلی جوان بودند. بسیاری از رهبران ایران نه تنها در انقلاب اسلامی و جنگ تحمیلی حاضر بوده‌اند، بلکه در آن حضور فعال نیز داشته‌اند، اما توده جوانان ایرانی از هیچ کدام خاطره ندارند. هدف از تأکید آیت‌الله خامنه‌ای در بیانیه گام دوم بر جوانان، این است که اطمینان حاصل شود که رهبری آینده همان روحیه انقلابی رهبری نظام کنونی را حفظ می‌کند، و در نهایت مسیر دستیابی به تمدن نوین اسلامی هموار می‌شود. در بیانیه گام دوم، شکل‌گیری نظام اسلامی و انقلابی، به معنای ریشه کن کردن بازیگران لیبرال و ایدئولوژی آن‌ها در نظام سیاسی جمهوری اسلامی و جایگزینی جوانان انقلابی با روحیه جهادی است.

فرصت‌های پیش رو جهت دستیابی به تمدن نوین اسلامی

انقلاب اسلامی ایران در شرایطی به پیروزی رسید که جهان اسلام به دلیل غلبه استکبار جهانی بر کشورهای مسلمان توان عرض اندام نداشت. پیروزی انقلاب اسلامی روحی دوباره در کالبد جنبش‌های اسلامی و در تکامل تمدن اسلامی بخشید. تجربه نشان داد که انقلاب اسلامی این ظرفیت را داراست که هوشمندان و با تکیه بر مبانی و اصول علمی، عقب‌ماندگی گذشته را جبران نماید. در همین راستا، باید از فرصت‌های موجود استفاده نمود تا در عین پابندی به شعارهای انقلابی، مسیر تمدن نوین اسلامی نیز هموار گردد. به این جهت انقلاب اسلامی قادر است در قالب

احیای تمدن نوین اسلامی گام‌هایی جدی بردارد. انقلاب اسلامی تأثیری ماندگار در عرصه تاریخ داشته و با تکیه بر مؤلفه‌های راهبردی گام دوم انقلاب و فرصت‌های موجود می‌توان به تمدن نوین اسلامی دست یافت. در ادامه مهم‌ترین فرصت‌های پیش رو جهت دستیابی به تمدن نوین اسلامی مطرح و مورد بحث قرار گرفته است:

الف) اولویت‌بخشی به نخبگان در مسیر تمدن‌سازی

انقلاب اسلامی به دلیل جامعیت دین مبین اسلام، چالش جدی در مقابل تفکرات مادی‌گرا و تک‌بعدی غربی ایجاد کرده است. غرب در حالی که از ابزارهای رسانه‌ای گسترده‌ای برخوردار است، اما دارای جامعیت نیست، در حالی که پیام انقلاب اسلامی، جامع و همه‌جانبه‌نگر بوده و مبتنی بر نیازهای روحی و جسمی انسان است. این مسئله می‌تواند مجال خوبی برای جهانی کردن اندیشه جامعه باشد. طبیعتاً در این بین، نقش نخبگان فکری و اعمال نفوذ آن‌ها در دستگاه حکومت‌داری، مسئله‌ای است که اگر به درستی صورت گیرد، می‌تواند زمینه احیای مناسب‌تر تمدن نوین اسلامی در قالب طرز تفکرها و ایدئولوژی حاکم را فراهم نماید. نخبگان فکری به منزله کارگزاران فعال در جامعه می‌توانند در عملیاتی‌سازی ایدئولوژی‌ها و ارزش‌ها در جامعه نقش بسزایی ایفا نمایند. حضور این نخبگان در عرصه سیاسی و اجتماعی و امکان نقش‌آفرینی‌ها در سطح جامعه، یکی از امکان‌هایی است که حائز اهمیت است و می‌تواند زمینه پیش‌بران‌های اصلی تحولات جامعه در عرصه فناوری و دانش با پیچیدگی‌های چندسطحی به سمت احیای تمدن اسلامی را فراهم نماید (سرخیل، ۱۳۹۹: ۱۸۰-۱۸۱). استفاده از نخبگان، صاحب‌نظران و متخصصین در حوزه‌های مختلف و تشکیل اتاق اندیشه ورزی و تضارب آرا و دستیابی به نظرات منسجم، نظرات نخبگی و کارشناسی می‌تواند مسیر تحقق تمدن نوین اسلامی را هموار سازد.

ب) صدور انقلاب بر پایه آموزه‌های اسلامی

تمدن نوین اسلامی هم از منظر فلسفی و هم از منظر تاریخی با توجه به تجربه‌های تاریخی انقلاب اسلامی امکان تحقق در جهان جدید را داراست. بسط اجتماعی عقلانیت انقلابی، تربیت نیروی انسانی طراز تمدن نوین اسلامی، تحول در علوم انسانی و تعالی الگوی مدیریت، اصلاح سبک زندگی و افزایش تعاملات میان فرهنگی از مهم‌ترین الزامات تحقق تمدن نوین اسلامی است (بشر و غیائی فتح‌آبادی، ۱۳۹۹: ۲۵-۲۶). تفکرات و منویات رهبران و بنیان‌گذاران جمهوری

اسلامی ایران برگرفته از اسلام و مکتب تشیع است. در همین چارچوب، آیت‌الله خامنه‌ای، دیدگاه و خط امام خمینی (ره) را پیش می‌برند که در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران تصریح شده است، که یک مأموریت فراملی برای مقابله با آمریکا و نفوذ غرب بوده است. اکنون با توجه به فرصت‌ها، آیت‌الله خامنه‌ای با تأکید بیشتر بر صدور انقلاب برای گسترش ساختار و اندیشه‌های جمهوری اسلامی به خارج از مرزهای ایران، مأموریت فراملی را به سطوح جدیدی می‌برند و این می‌تواند فرصت مناسبی در مسیر تمدن‌سازی نوین اسلامی باشد. گام‌های انقلاب اسلامی بر این برداشت آیت‌الله خامنه‌ای متمرکز است که انقلاب اسلامی در جنگ دوقطبی با آمریکا (به‌عنوان جنگ سرد جدید) است. هدف نهایی انقلاب اسلامی یک «تمدن اسلامی» فراملی است که توازن قوا را در جهان تغییر داده و جایگزین نظام دولتی مدرن شود. آیت‌الله خامنه‌ای صحنه جهانی پس از سقوط اتحاد شوروی را «دوگانگی اسلام و مستکبران» توصیف می‌کنند. اسلام به معنای جمهوری اسلامی ایران است و قدرت‌های استکباری به آمریکا، اسرائیل، انگلیس و متحدان منطقه‌ای آن‌ها اشاره دارد. ایشان تأکید می‌کنند که جمهوری اسلامی ایران قبلاً در مقابله با تک‌قطبی آمریکا موفق بوده است و اکنون نیز به دنبال پیروزی در جنگ دوقطبی است. تنزل هژمونی ایالات متحده توسط قدرت‌هایی مانند روسیه و چین، فرصتی مناسب برای گسترش آرمان‌های ایرانی و اسلامی یا همان احیای تمدن نوین اسلامی می‌باشد.

ج) اجرای مناسب مؤلفه‌های گام دوم انقلاب در مسیر تمدن‌سازی

هر تمدنی به یک باره شکل نمی‌گیرد و باید از مسیرها، دوره‌ها و نظام‌های مختلف گذر کند. یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های اندیشه‌ای آیت‌الله خامنه‌ای ناظر به فرایند تحقق تمدن نوین اسلامی است. به گونه‌ای که این فرایند را معطوف به تجربه جمهوری اسلامی ایران معرفی می‌کند (بهمنی، ۲۰۱۴: ۲۲۱). به بیان آیت‌الله خامنه‌ای، جمهوری اسلامی ایران به دنبال پنج هدف شامل انقلاب، تشکیل نظام اسلامی، تشکیل دولت اسلامی، تشکیل امت اسلامی و تشکیل تمدن اسلامی است. از منظر آیت‌الله خامنه‌ای در هر یک از مراحل تکوین تمدن اسلامی اقداماتی انجام می‌شود. در مرحله اول که وقوع انقلاب اسلامی بوده است، ارزش‌ها تغییر و تعالی پیدا کردند، در مرحله دوم که تشکیل نظام اسلامی است ساختارسازی کلان حکومتی انجام می‌شود. در مرحله سوم که تشکیل دولت اسلامی است رفتار کارگزاران تعالی پیدا می‌کند. در مرحله چهارم که تشکیل

کشور (جامعه) اسلامی است، الگوها و رفتارهای اسلامی در زندگی استقرار پیدا می‌کند و در نهایت در مرحله پنجم که تشکیل تمدن اسلامی است همزیستی امت اسلامی گسترش پیدا می‌کند (جعفری و دبیری، ۱۳۹۹: ۸۵). به‌ویژه ایده تمدن نوین اسلامی به‌طور مشخص با وقوع انقلاب اسلامی شکل گرفته است (فرزانه و همکاران، ۱۳۹۷: ۱۷۷). بیانیه گام دوم انقلاب بیانگر وضعیت انقلاب اسلامی در آستانه چهل سالگی بوده و در واقع طرحی برای گذر از وضع موجود به وضع مطلوب و آرمانی است. آیت‌الله خامنه‌ای در این بیانیه بیان کرده‌اند که نظر به توفیقات انقلاب اسلامی در امر قوت‌ها و فرصت‌های حداکثری در مقایسه با ضعف‌ها و تهدیدها، اهتمام دولتمردان باید در جهت بسیج منابع، امکانات و ظرفیت‌ها به‌منظور برنامه‌ریزی در راستای عملیاتی کردن راهبردهای مذکور با محوریت راهبرد پیشتازی در محیط منطقه‌ای و نظام بین‌الملل باشد (ابراهیمی کیایی و بوذری نژاد، ۱۴۰۰: ۹۷). این بیانیه با تصریح الزامات درونی و حفظ ساحت بیرونی، نویدبخش تحولات عمیق و گسترده و نقشه راه روشنی مبتنی بر امید واقع‌بینان و خوش‌بینی مؤمنانه به‌سوی تمدن نوین اسلامی است.

د) فرصت‌های منطقه‌ای و جهانی

تداوم انقلاب اسلامی ایران الگویی مناسب پیش‌روی مسلمانان قرار داده و آنان را به حرکت در جهت تغییر فضای موجود متمایل کرده است. از نظر فرصت‌های منطقه‌ای، سوریه یک دارایی استراتژیک و فرصت مهم در اختیار ایران است. از زمان آغاز جنگ داخلی سوریه در سال ۲۰۱۱، یک شاخه سوریه از نیروی بسیج برای مقابله با گروه‌های مخالف تکفیری و داعش تشکیل شد. در سال ۲۰۱۵، جمهوری اسلامی ایران یمن را نیز به میدان نفوذ خود در جهت تشکیل امت اسلامی اضافه کرد. البته این بدان معنا نیست که مردم منطقه هیچ نقشی در بیداری اسلامی و خیزش‌ها نداشته‌اند، بلکه بدان معناست که جمهوری اسلامی ایران الگو و مدل جذابی برای ملت‌های مظلوم و تحت سلطه و ستم استکبار بوده است. در واقع انقلاب اسلامی ایران به‌عنوان نقطه آغاز خیزش بیداری اسلامی بوده و حرکت‌های اسلامی در جهان اسلام را به تکاپو واداشته است (طاهری، ۱۳۸۷: ۲). ذکر این نکته ضروری است که میزان تأثیرگذاری انقلاب اسلامی بر همه جوامع اسلامی یکسان و یکنواخت نبوده است، بلکه با توجه به اوضاع خاص هر منطقه و نیز قرابت‌های فکری، فرهنگی و جغرافیایی، درجه تأثیر آن متفاوت بوده است و هر اندازه که ملت ایران در نیل

به اهداف انقلابی خود با ملت‌های دیگر وجه اشتراک داشته‌اند، به همان نسبت استقبال از این انقلاب گسترده‌تر بوده است. انقلاب اسلامی در عرصه بین‌المللی نیز با شکستن انحصارگرایی و بر هم زدن معادلات جهانی، می‌تواند اعتمادبه‌نفس را در بین مسلمانان تقویت نماید و با شالوده‌نظم بین‌الملل فارغ از سلطه قدرت‌های استکباری براساس سیاست «نه شرقی نه غربی»، بارقه امید را در دل میلیون‌ها مسلمان و مستضعف جهان بیدار نگه دارد. چنان‌که آیت‌الله خامنه‌ای در بیانیه گام دوم انقلاب فرموده‌اند: نماد پرابهت و با شکوه و افتخارآمیز ایستادگی در برابر قلدران و زورگویان و مستکبران جهان و در رأس آنان، آمریکای جهان‌خوار و جنایتکار، روزبه‌روز برجسته‌تر شده است» (بیانیه گام دوم، ۱۳۹۷). بنابراین، از آنجا که ایران اسلامی سردمدار مبارزه همه‌جانبه با نمادهای طاغوت و عامل اصلی شکست هیمنه پوشالی ابرقدرت‌ها و استکبار جهانی است و همچنین الگوی اصلی کشورهای اسلامی و حتی غیراسلامی در مبارزه با حکومت‌های ظالم و استکبار جهانی است، دارای ظرفیت لازم را برای قرار گرفتن به‌عنوان محور اصلی تمدن نوین اسلامی و ایجاد آن است.

ن نقش دولت

با جستجو در متون دینی و اسلامی متوجه می‌شویم که «برای فعلیت بخشیدن به اهداف عالی در زمینه‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و حتی عبادی، نیازمند وجود حکومت می‌باشیم» (امام خمینی، ۱۳۷۷: ۸۱). دولت یکی از ارکان دین است که با اولین شریعت پا به عرصه اجتماع گذارده است و از اهم شئون حیات دینی می‌باشد و ضرورتی است که به‌هیچ‌وجه نمی‌توان از آن کناره گرفت و ضرورت وجود دولت اسلامی از اهداف اصلی و ارکان تقویت شریعت اسلامی می‌باشد (لواسانی، ۱۳۸۳: ۷۲). آیت‌الله خامنه‌ای رویکرد خاصی نسبت به مفهوم دولت اسلامی دارند که این رویکرد را در فرایند پنج‌گانه تمدن نوین اسلامی مورد بررسی قرار داده‌اند. از منظر ایشان: «منظور از دولت، مجموع دستگاه‌های مدیریتی کشور می‌باشد که اداره کشور را برعهده دارند. دولت اسلامی به معنای سازوکارها و نهادسازی‌های لازم برای ایجاد جامعه اسلامی است» (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۹۰/۰۷/۲۴). از منظر آیت‌الله خامنه‌ای، دولت اسلامی دارای اهدافی است و می‌تواند مقدمه‌ای برای تحقق تمدن نوین اسلامی باشد و بتواند آوازه اسلام و توحید را به سراسر عالم برساند و تحقق‌بخش مؤلفه‌های راهبردی گام دوم انقلاب در این مسیر باشد (ملائی،

۱۳۹۷: ۴۹). از همین رو، وظیفه مسئولان، مدیران و دولتمردان این است که تلاش نمایند تا حرکت عظیم الهی را به سوی تمدن نوین اسلامی سوق دهند و مقدمات ظهور حضرت مهدی (عج) را فراهم سازند (ابراهیمی کیایی و بوذری نژاد، ۱۴۰۰: ۹۷). بنابراین، تحقق تمدن نوین اسلامی از طریق دولت نیز، ضرورتی است که باید بدان توجه گردد.

(و نقش ملت

از بدو ظهور انقلاب اسلامی و استحکام جمهوری اسلامی ایران، هسته اصلی، تأکید بر عنصر ملت بوده است. موضوعی که به نظر می‌رسد در سال‌های اخیر به مسئله‌ای چالشی تبدیل شده است که اگر به فرصت تبدیل گردد، می‌تواند در سال‌های آینده زمینه ظهور یک قدرت هژمونیک شیعه و در نتیجه احیای تمدن نوین اسلامی را فراهم نماید. طبیعتاً دستیابی به این هدف، نیازمند تأمین و اجرای عدالت و آزادی در جامعه نیز است که از معیارهای لازم برای شکل‌گیری تمدن نوین اسلامی است. نظامی که برآمده از آموزه‌های اسلامی است، می‌تواند با استفاده از این امکان، شرایطی را به وجود آورد که امکان سامان بخشیدن به امور جامعه بر مبنای عدالت و آزادی خواهی فراهم باشد. در صورت برقراری این اصول در جامعه اسلامی، سایر کشورها نیز به دنبال نظام اسلامی به حرکت می‌افتند (نرمانی، زارعی و روان بد، ۱۴۰۰: ۶۴-۶۵). بدیهی است، جوانان مؤمن و انقلابی با بصیرت و هوشمندی بالای که دارند، می‌توانند با نقشه‌های استکبار جهانی علیه ایران مقابله نمایند و در برافراختن پرچم تمدن نوین اسلامی، نقش ویژه‌ای داشته باشند. با توجه به نقش آن‌ها، ایران اسلامی به دستاوردهای عظیمی در تمامی عرصه‌های سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی دست خواهد یافت (ابراهیمی کیایی و بوذری نژاد، ۱۴۰۰: ۱۰). آیت‌الله خامنه‌ای در بیانیه گام دوم انقلاب، نوجوانان و جوانان را بهترین و مناسب‌ترین نیرو در زمینه پیاده کردن آرمان بزرگ انقلاب و رسیدن به تمدن نوین اسلامی دانسته است و ایشان اعتقاد و اعتماد ویژه‌ای به جوانان دارند. بنابراین تمدن نوین اسلامی می‌تواند با حرکت در مسیر عدالت و آزادی خواهی و تکیه بر عنصر اصلی (ملت)، از الگوهای بی‌عدالتی موجود در سایر جوامع متمایز گردد و موتور تمدن نوین اسلامی را به پیش ببرد.

جدول ۱: چالش‌ها و فرصت‌های برگرفته از بیانیه گام دوم انقلاب برای تحقق تمدن نوین اسلامی

ضابطه‌های مهم	چالش‌ها و فرصت‌های تحقق تمدن نوین اسلامی
تقابل با ارزش‌های جهانی شدن	چالش‌ها
برداشت‌های افراط‌گرایانه از اسلام	
نبود روحیه کافی انقلابی	
اولویت‌بخشی به نخبگان در مسیر تمدن‌سازی	فرصت‌ها
صدور انقلاب بر پایه آموزه‌های اسلامی	
اجرای مناسب مؤلفه‌های گام دوم انقلاب در مسیر تمدن‌سازی	
فرصت‌های منطقه‌ای و جهانی	
نقش دولت	
نقش ملت	

نتیجه‌گیری

نظام جمهوری اسلامی ایران به‌عنوان نظامی چالش‌برانگیز در مسیر تمدن‌سازی در برابر نظام مادی‌گرایانه غربی و به‌عنوان نظامی که برخاسته از انقلابی الهام‌بخش و اسلامی بوده است، دارای تجربیات موفق می‌باشد که این تجربیات علاوه بر نشان دادن میزان توفیق نظام در نیل به تمدن نوین اسلامی، می‌تواند الگویی جهت آفرین را در اختیار سایر ملل آزادی‌خواه و مسلمان جهان قرار دهد. امت اسلامی به لحاظ تاریخی، برتری مذهبی و فرهنگی خود را در سراسر جهان از طریق فرآیند جهانی شدن به دست آورد. در همه ملاحظات، اسلام به‌عنوان یک رمز جهانی زندگی به جزء ضروری فرآیند جهانی شدن تبدیل شده است. طبق معمول، اسلام و جهانی شدن پیوند ناگسستنی دارند و در همان رشته‌ای گره خورده‌اند که آموزه‌ها، احکام اسلامی برای کل جمعیت جهان صحبت می‌کنند. اسلام تصریح می‌کند وظیفه مسلمان این است که پیام‌های اسلام را به سایر مسلمانان و غیرمسلمانان نیز برسانند. این فرآیند اسلامی‌سازی و جهانی شدن تبلیغ اسلام و فرهنگ غنی آن را در سراسر جهان تسهیل می‌کند. یک مسلمان می‌تواند با تبدیل شدن به بخشی از فرهنگ اسلامی در حال جهانی شدن، به دو هدف نهایی یعنی صلح دنیوی دست یابد. بنابراین

باید توجه داشت که هیچ مسلمانی بدون مشارکت خود در فرآیند جهانی‌شدن فرهنگ اسلامی نمی‌تواند مؤمن کامل باشد. عقب‌ماندگی تمدن اسلامی بیشتر ناشی از سستی آن‌ها و نیز تأثیر مخرب فرهنگ غرب بر فرهنگ اسلامی است. بنابراین، تمدن اسلامی در سراسر جهان هزینه آن را می‌پردازند و اکنون در جهانی‌سازی فرهنگ و سنت غنی اسلامی خود با چالش‌های متعددی روبه‌رو هستند. از جمله چالش‌هایی که در بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی ایران در مسیر تحقق تمدن نوین اسلامی مانع حرکت می‌شوند، چالش‌های اقتصادی، خطر فساد، تهاجم فکری و فرهنگی و غفلت از شعارها و آرمان‌های انقلاب اسلامی ایران می‌باشند. برای گذر از این چالش‌ها آیت‌الله خامنه‌ای در بیانیه گام دوم انقلاب جوانان را محور مهم برای تحقق تمدن نوین اسلامی در نظر می‌گیرند. در پرتو قرآن، روایات و منابع کلیدی فرهنگ اسلامی نیز می‌توان با این چالش‌ها مواجه شد و آن وقت است که اسلام بر همه فرهنگ‌های دینی موجود در جامعه برتری پیدا می‌کند و تمدن اسلامی به‌عنوان برترین در بین همه ملت‌های جهان، جایگاه مناسبی پیدا می‌کند. فرصت‌هایی که پیش روی جمهوری اسلامی ایران است از جمله: گسترش عدالت، اقتصاد مقاومتی، روحیه انقلابی و جهادی، استفاده از ظرفیت‌های طبیعی و انسانی کشور می‌باشد که سازمان‌ها و نهادهای دولتی و غیردولتی در عرصه‌های مختلف مدیریتی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی می‌تواند اجرایی کند. نقش دولت اسلامی در تحقق تمدن نوین اسلامی صرفاً انحصار در قوه مجریه نبوده است، بلکه شامل قوای سه‌گانه و تمامی کارگزاران آن‌هاست. از دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای نیز باید در دولت اسلامی مسئولان و کارگزاران دولت به شاخص‌ها و معیارهای مطلوب برای رسیدن به تمدن اسلامی ملتزم شوند و ساختارها و چارچوب‌های فکری، هویتی، نظام‌بندی‌ها و نهادها نیز خود را بر اساس ارزش‌ها و معیارهای اسلامی تولید و بازسازی کنند تا راه برای تمدن نوین اسلامی هموار گردد.

فهرست منابع

آیات قرآن کریم

- ابراهیمی کیاپی، هادی؛ بوذری نژاد، یحیی (۱۴۰۰). «نقش آیت‌الله خامنه‌ای در احیای تمدن اسلامی با تکیه بر گام دوم انقلاب»، مجله بصیرت و تربیت اسلامی، ۱۷ (۵۶): ۹۱-۱۱۲.
- <https://www.sid.ir/fa/journal/ViewPaper.aspx?ID=570544>
- استودارد، لوتروپ (۱۳۹۰). دنیای جدید اسلام، مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی.
- اکبرپور آلمه جوقی، علی؛ صالحی وثیق، محمدرضا (۱۴۰۰). «تدوین انقلاب اسلامی به‌عنوان الگویی مستقل برای سایر کشورها برپایه بیانیه گام دوم انقلاب»، کنگره بین‌المللی گام دوم انقلاب اسلامی از منظر قرآن و حدیث، قابل‌دسترس در <http://hamayesh.miu.ac.ir/hadith/fa>
- امام خمینی، روح‌الله (۱۳۷۸). صحیفه امام، تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- امام خمینی، سید روح‌الله (۱۳۷۷). ولایت فقیه، تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
- بشر، حسن؛ غیائی فتح‌آبادی، هادی (۱۳۹۹). «چالش‌های تمدنی پیش روی انقلاب اسلامی ایران»، مطالعات بنیادین تمدن نوین اسلامی، ۳ (۱): ۱-۲۸. http://nic.shahed.ac.ir/article_3121.html
- بیانات آیت‌الله خامنه‌ای به مناسبت هفته دولت درباره الگوی مستقل اسلام برای نظام‌سازی و جامعه‌سازی، ۱۳۹۹/۰۶/۲.
- بیانات آیت‌الله خامنه‌ای به مناسبت هفته دولت درباره الگوی مستقل اسلام برای نظام‌سازی و جامعه‌سازی، ۱۳۹۹/۰۶/۲.
- بیانات آیت‌الله خامنه‌ای در خطبه‌های نماز جمعه، ۲۰/ ۱۱/ ۱۳۷۴.
- بیانات آیت‌الله خامنه‌ای در دیدار اعضای شورای عالی «مرکز الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت»، ۱۳۹۵/۰۲/۰۶.
- بیانات آیت‌الله خامنه‌ای در مراسم فارغ‌التحصیلی جمعی از پرسنل نیروی انتظامی، ۱۳۷۹/۰۷/۱۸.
- تاج‌بخش، احمد (۱۳۸۱). تاریخ تمدن و فرهنگ ایران از اسلام تا صفویه، جلد اول، شیراز: نوید شیراز.
- جعفری، علی‌اصغر؛ دبیری، علی‌اکبر (۱۳۹۹). «شناسایی عوامل زمینه‌ساز و چالش‌های تحقق تمدن نوین اسلامی در بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی»، پژوهش‌نامه انقلاب اسلامی، ۱۰ (۳۷): ۸۱-۱۰۲.
- https://rjir.basu.ac.ir/article_3864.html
- حیدری خراسانی، محمدجواد؛ جوان، جواد (۱۴۰۰). «نگرشی بر تمدن نوین اسلامی از منظر آیت‌الله خامنه‌ای و حضرت آیت‌الله جوادی آملی»، دولت پژوهی جمهوری اسلامی ایران، ۷ (۳): ۱۲۱-۱۴۴.
- https://irsj.ihu.ac.ir/article_206934.html
- خزاعی، علی؛ خسروی، محمدرضا؛ رجبی دوانی، محمدحسین (۱۳۹۶). «مؤلفه‌های نیل به تمدن نوین اسلامی در آثار و اندیشه امامین انقلاب اسلامی و قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران»، مطالعات بین‌رشته‌ای دانش راهبردی، ۷ (۲۹): ۲۹-۵۲. <https://www.sid.ir/fa/journal/ViewPaper.aspx?ID=345720>

- خلیلی، ابراهیم (۱۴۰۰). «عوامل درون‌زای کاهنده شتاب تکامل انقلاب اسلامی در گام اول»، دولت پژوهی جمهوری اسلامی ایران، ۷ (۴): ۷-۳۵. https://irsj.ihu.ac.ir/article_207170.html
- دارا، جلیل؛ کریمی، فردین (۱۳۹۹). «تحقق تمدن نوین اسلامی و نقش‌آفرینی شهید سلیمانی به‌عنوان کارگزار تمدن‌ساز»، سلسله همایش‌های بین‌المللی گام دوم انقلاب اسلامی، ۶۳ (۲): ۱-۲۰. https://ic2.ihu.ac.ir/article_206079.html
- زرین‌کوب، عبدالحسین (۱۳۷۶). کارنامه اسلام، تهران: انتشارات امیر.
- سرخیل، بهنام (۱۳۹۹). «چینش‌نخبگانی، جوانان و چالش‌های پیش روی تمدن نوین اسلامی»، مطالعات بنیادین تمدن نوین اسلامی، ۳ (۲): ۱۶۱-۱۸۶. http://nic.shahed.ac.ir/article_3148.html
- صمدی مبارک‌لائی، حمزه (۱۳۹۵). «الگوی صدور انقلاب اسلامی در جهت دست‌یابی به تمدن نوین اسلامی»، مطالعات انقلاب اسلامی، ۱۳ (۴۷): ۷-۳۰. <https://enghelab.maaref.ac.ir/article-I-452-fa.html>
- طاهری، سیدمهدی (۱۳۸۷). «انقلاب بیدارساز: نقش انقلاب اسلامی ایران در بیداری جهان اسلام»، مجله پگاه حوزه، ۵ (۲۴۸): ۱-۲۲. <http://ensani.ir/fa/article/64219>
- فرزانه، محمداقرا؛ خیاط، علی؛ صفرپور، هادی (۱۳۹۷). «تبیین عوامل ایجاد تمدن نوین اسلامی»، پژوهش‌های اجتماعی اسلامی، ۲۴ (۳): ۱۷۶-۲۰۶. https://iss.razavi.ac.ir/article_50.html
- لواسانی، سیدسعید (۱۳۸۳). مفهوم دولت دینی، تهران: دفتر پژوهش و تدوین تاریخ انقلاب اسلامی.
- لوکاس، هنری استیون (۱۳۸۷). تاریخ تمدن، ترجمه عبدالحسین آذرنگ، تهران: انتشارات سخن.
- ملائتی، رسول (۱۳۹۷). «دولت اسلامی و سنجش میزان تأثیر آن در ایجاد تمدن نوین اسلامی در اندیشه مقام معظم رهبری»، فرهنگ پژوهش، ۱۵ (۵): ۳۵-۶۸. <https://www.sid.ir/fa/journal/ViewPaper.aspx?ID=502737>
- موسوی، سیدمحمد (۱۴۰۰). «پیشران‌های انقلاب اسلامی در اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای با تأکید بر بیانیه گام دوم»، دولت پژوهشی جمهوری اسلامی ایران، ۷ (۱): ۷-۲۴. https://irsj.ihu.ac.ir/article_206546.html
- نجفی، موسی (۱۳۹۰). «فلسفه تکامل بیداری اسلامی و جوهر افول‌یابنده تمدن غربی»، جستارهای سیاسی معاصر، ۲ (۲): ۷۳-۹۰. <https://www.sid.ir/fa/journal/ViewPaper.aspx?ID=188618>
- نرمانی، حسن؛ زارعی، غفار؛ روان‌بد، امین (۱۴۰۰). «پیشران‌های تربیتی و فرهنگی جهت شکل‌گیری تمدن نوین اسلامی»، آینده‌پژوهی ایران، ۶ (۱): ۵۷-۷۶. https://jfs.journals.ikiu.ac.ir/article_2510.html
- نوری‌طبرسی، میرزاحسین (۱۳۶۹). مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، جلد یازدهم، تهران: انتشارات آل بیت (ع).

نهج‌البلاغه

- ولایتی، علی‌اکبر (۱۳۹۰). بیداری اسلامی، تهران: انتشارات مرکز اجلاس بین‌المللی بیداری اسلامی.
- Abushouk, A (2006). Globalization and Muslim identity challenges and prospects. The Muslim World, 96(3), 487-505 .

- Ahmad, K (2006). Globalization: Challenges and prospects for Muslims. Policy Perspectives.
- Armstrong, K. (2007). Islam: A short history. Modern Library.
- Azzouzi, E. M. (2013). Religion and globalisation: Benefits and challenges. Morocco World News. Retrieved from <https://www.moroccoworldnews.com/2013/01/75121/religion-and-globalisation-benefits-and-challenges/>
- Bagheri Lankarani, Kamran & Alavian, Seyed Moyed & Peymani, Payam (2013). Health in the Islamic Republic of Iran, challenges and progresses, Med J Islam Repub Iran, Feb, 27(1): page 42–49. <https://www.ncbi.nlm.nih.gov/pmc/articles/PMC3592943/>
- Bahmani, Mohammad Reza (2014), “the new Islamic civilization in the thought of Ayatollah Khamenei”, Journal of Criticism and Opinion (Philosophy and Theology), Volume 19, Number 2. (In Persian)
- Fukuyama, Francis (1992). The End of History and the Last Man (New York: Free Press).
- Hadar, Leon (1993). “What Green Peril?” Foreign Affairs (Spring).
- Nadwi, A (1982). Islam and The World. Lucknow, India: Academy of Islamic Research & Publication.
- Ullah, Cholem (2019). Islamic culture and globalisation: Challenges and responses, IUC Studies, 16 (7): 57-76. <https://doi.org/10.3329/iiucs.v16i0.50137>.

